

حرف درشت

متد معده پوریا عالمی

- شما کارت را از کجا شروع کردی؟
- من از لایک اساتید.
- شما چطور ی استاد شدی؟
- من با فحش دادن به اساتید.
- شما چطور ی احساس اهمیت کردی؟
- من توی اینترنت درباره هر کسی که مهم بود می‌نوشتم که اون هیچ اهمیتی نداره و چهارتا فحش بهش می‌دادم یا می‌گفتم فلانی هنرمند نیست و دزده. اون بنده خدا هم مجبور بود از خودش دفاع کنه و بیاد بگه من الکی گفتم. اونجا بود که فهمیدم من مهم هستم.
- شما کی به دنیا آمدی و آدم شدی؟
- من از وقتی اینترنت خریدم.
- شما چه اثری خلق کردی؟
- من
- نام کتاب شما و محتوای آن چیست؟
- نام کتاب من «فحش‌نامه» است و مجموعه فحش‌هایی است که توی اینترنت به دیگران داده‌ام.
- روش شما در نقد چیست؟ و چطور ی در همه حوزه‌ها اظهارنظر می‌کنی؟
- من از روش معده استفاده می‌کنم؛ یعنی چون معده‌ام همه چیز را هضم می‌کند، من آثار دیگران را می‌ریزم توی معده‌ام، خروجی آن را به اسم نقد منتشر می‌کنم.
- آرزوی شما چیست؟
- بنده می‌خواهم این‌قدر معروف بشوم که بتوانم تبلیغ بگیرم و به صورت نامحسوس در صفحه اینستاگرام یا توئیترم تبلیغ صابون کنم.

نکته

سنگ جدید بر مزار ابراهیم یزدی

- سایت جماران گزارش داده است به فاصله کمتر از یک ساعت از تخریب سنگ مزار مرحوم ابراهیم یزدی، سنگ قبر دیگری عینا با همان جنس و خط و متن، توسط مدیریت سازمان بهشت‌زهار(س) طراحی، حکاکی و نصب شده است.
- هنوز از عوامل تخریب‌کننده و انگیزه آنان اطلاعی در دست نیست.

شترت روزنامه

www.sharghdaily.ir

پنجشنبه « ۳ اسفند ۱۳۹۶ » ۵ جمادی‌الثانی ۱۴۳۹ « ۲۲ فوریه ۲۰۱۸ » سال یازدهم « شماره ۳۰۹۲ » ۱۶ صفحه اذان ظهر تهران ۱۸:۱۲ • اذان مغرب ۱۱:۱۸ • اذان صبح فردا ۵:۱۹ • طلوع آفتاب ۶:۴۲

روزنفرها

کار تون خواب

جلال پیرمرز آباد



قصه‌های شهر

چای یا قهوه، در محضر تاریخ

گیتی منفرزاده

پژوهشگران تاریخ انسان‌های بسیار دقیقی هستند. فقط درست نمی‌دانم که داشتن دقت زیاد باعث شده که سراخ تاریخ‌پژوهی بروند یا سروکله‌زدن با اسناد و مدارک تاریخی آن‌قدر منظم و مرتبشان کرده؛ نمونه اعلایش دکتر فریدون آدمیت. زمانی به دلایلی، کار ویرایش و نمونه‌خوانی چند کتاب برای یکی از دوستانش را به واسطه خودش انجام می‌دادم. هربار برای تحویل کار با من در لابی هتل لاله قرار می‌گذاشت. گرچه همیشه سر وقت به قرار می‌رسیدم، اما می‌دیدم که باز اوقبل از من رسیده و پشت یکی از میزها نشسته، با کتوشلوار رسمی، مرتب و منظم، انگار که با فراغ خاطر از ازل در انتظار این‌س ملاقات بوده. با دیدن من به رسم ادب و احترام بلند می‌شد و صبر می‌کرد تا با هم بنشینیم. قبل از هرچیز می‌پرسید: چای یا قهوه؟ تا حاضرشدن سفارش از احوال و گردش روزگار و اوضاع شخصی می‌پرسید؛ با رعایت حد و حدود متعارف و محترمانه و بدون هیچ‌گونه کنجکاوی و ارائه سخنان انگیزشی یا تخریبی (گویا داشت برگی از اوراق صدادار تاریخ را ملاحظه می‌کرد و مراقب بود که نگاه بی‌طرفانه خود را از دست ندهد). با آمدن نوشیدنی‌ها کتابی را که آورده بودم، به دست می‌گرفت و با دقت نگاه می‌کرد. اگر نکته‌ای به نظرش می‌آمد یا سؤالی برایش مطرح می‌شد، می‌گفت. نوشیدن و بررسی کار که تمام می‌شد با همان ادب و احترام مرا مشایعت می‌کرد. وقتی از در هتل لاله خارج می‌شدم، احساس می‌کردم در یک مراسم رسمی و دیپلماتیک شرکت کرده‌ام و حتما نقش قهرمانانه‌ای در تغییر برهه‌ای از تاریخ داشته‌ام؛ ولو به اندازه نمونه‌خوانی یک کتاب داستان صدصفحه‌ای.

نمونه این برخوردهایش را در جاهای دیگر

و با آدم‌های دیگر هم دیده بودم. به محض

قرارگرفتن در دایره حضورش ناخودآگاه مرتب و

منظم می‌شدید و احساس می‌کردید داخل یک

نقش تاریخی قرار گرفته‌اید. شاید این اعتبار خود

این آدم‌هاست که پژوهش‌های تاریخی‌شان

را آن‌قدر بالارزش می‌کند. من مطمئن هستم

برای نوشتن کتاب امیرکبیر و ایران هم چندین

دیدار این‌گونه با مرحوم امیرکبیر داشته است.

هر دو با هم روی سکوی حمام فین نشسته‌اند

و دکتر آدمیت اول با ادب و احترام پرسیده:

میزاتقی‌خان، چای یا قهوه؟

پشت تاریخ

روزِ سپندِ زن

خانه بوده است و خانگیان همه در فرمان وی بوده‌اند و می‌کوشیده‌اند که زمینه‌ی شادمانی و خشنودی او را، به هر شیوه، فراهم بیاورند. در این روز، مردان ارمغانی ارزنده به زنان‌شان می‌داده‌اند. گاه نیز می‌کوشیده‌اند که این ارمغان ارمغانی باشد کمیاب و از گونه‌ای دیگر که به آسانی فرادست نمی‌تواند آمد. نمونه را، در بوم‌های گرمسیری ایران که در آنها، هوا در اسفندماه گرم بوده است، شوهر، با رنج و تلاشی بسیار، بر کوه فرا می‌رفته است تا از برف‌های انباشته بر ستیغ آن، پاره‌ای را برگرد و به همراه بیاورد و برای بانوی فرخنده‌خوی خویش، برپاف بسازد. گاه نیز، شوهر و فرزندان، به‌پاس خشنودی سپندارمذ، ایزد زمین، به نام همسر و مادرشان که در روز سپندارمذ، شهربانو (ملکه‌ی) خانه دانسته می‌شده است، درختی در باغچه‌ی سرای، می‌نشانده‌اند.

من، از بن جان و دندان، فرارسیدن روز و جشن سپندارمذگان را که سپندارمذُ روز از ماه سپندارمذ است، به همدی زنان ایرانی که نمونه‌هایی نیک و ناب از ویژگی‌هایی سپندارمذ: مهر و فروتنی و شکیبایی‌اند فرّخ‌یاد می‌گویم و در آن میان، به مهربانوی خویش سیمن‌دخت نیز که دیر زیاد و شاد!

که ویژگی بنیادین آن است، مادینه می‌باید بود، در برابر آسمان که کارساز است و اثرگذار و به‌ناچار، ازاین‌روی، نرینه شمرده می‌باید شد. بر همین پایه است که این امشاسپند فرشته‌ی نگاهبان زنان نیز هست و جشن بزرگداشت او جشن بزرگداشت زن. در گاهشمار ی کهن ایرانی، پایه بر روز بوده است و ماه و سال. هفته از گاهشمار ی سامی بدین سامانه‌ی گاهشمارانه راه جسته است. هر سال را دوازده ماه است و نام این ماه‌های دوازده‌گانه از سپندترین و گرم‌ترین نام‌ها. به همان‌سان، ماه را نیز سی روز که هرکدام از آنها را نامی است، همچنان گرمی و سپند. نام دوازده ماه نیز در میان این نام‌های سی‌گانه، جای گرفته است. از همین روی، در هرامه، روزی با آن ماه هم‌نام خواهد بود. نیاکان ما ایسن هم‌نامی را گونه‌ای از سپندینگی (تقدس) دوسویه و دورویه و دوگانه می‌دانسته‌اند.

و آن را به مُروا و فال نیک می‌گرفته‌اند و جشنی بزرگ و باشکوه می‌آراسته‌اند. پنجمین روز از ماه سپندارمذ یا اسفند، سپندارمذ نامیده می‌شده است و جشن بزرگداشت این امشاسپند و به همان‌سان، جشن بزرگداشت زن ایرانی در این روز برگزارده می‌آمده است.

در این روز دلفروز، زن، به‌گونه‌ای آشکار، پادشاه

آکادمی

سفر نوروزی ۹۷ فرصتی برای رشد فردی خودمان!

عبور می‌کردم که یک مجسمه بودا از عاج فیل وجود داشت و دورش را محفظه‌ای شیشه‌ای فراگرفته بود و دور آن نیز چراغ‌های نئون چشمک می‌زد. برای من جذاب نبود اما به نظر می‌رسید محلی خایلی به چنین چیزی علاقه‌مند هستند.

به‌علاوه افسرانی با مسلسل قدم به قدم قدم نگهبانی می‌دادند که تگ‌رانم می‌کرد. اما همین که کمی آنجا بودم، متوجه شدم افسران مسلسل‌به‌دست با من خوش‌وبش می‌کنند و لبخند می‌زنند و تنها دارند وظیفه‌شان را انجام می‌دهند! یا برای ورزش به باشگاه ورزشی رفته بودم و در حال ورزش داشتم تلویزیون‌هایی که از سقف آویزان بود را نگاه می‌کردم. داشتند یک مسابقه کبدی را نشان می‌دادند که ابتدا نفهمیدم این چه ورزشی است. همان جا با خود فکر می‌کردم که چقدر دنیای ورزش نیز گسترده و متنوع است. سفر به فضاهای جدید و غیرمعمول به ما کمک می‌کند تا دیگران را بهتر درک کنیم و سه اینکه خلاقت‌مان افزایش می‌یابد! محققان سنکاپوری دریافته‌اند هرچقدر افراد با فرهنگ‌های بیشتری آشنا می‌شوند، دوستانی از کشورهای مختلف پیدا می‌کنند، زبان‌های مختلف یاد می‌گیرند، غذاها و موزیک‌های مناطق مختلف را تجربه می‌کنند و قابلیت حل مسئله غیرمتعارف‌شان بالاتر می‌رود! یعنی می‌توانند راه‌های تازه‌تر و غیرمعمول‌تری برای حل مسائل پیدا کنند!

حال که به تعطیلات نوروز ۹۷ نزدیک می‌شویم، معمولاً فرصتی برای سفر دست می‌دهد و فرصتی برای رشد و توسعه فردی‌مان! تعطیلات فرصتی است که کار نکنیم، اما به این معنا نیست که روی خود نیز کار نکنیم! پس تلاش کنیم در فرصت تعطیلات نوروز امسال، حداقل اولین گزینه‌ای که به ذهن‌مان می‌رسد سفر به همان جای همیشگی نباشد! سفر به شهرها و کشورهایی که مقاصد مشهور توریستی شده‌اند و معمولاً همه به آنها فکر می‌کنند، نباشد. معمولاً چنین محل‌هایی (مقاصد مشهور توریستی) از بافت اصلی و سنتی خود خارج شده‌اند و شاید یافتن نحوه زندگی، فرهنگ و سنت اصلی‌شان کار ساده‌ای نباشد. شاید بعد از نوروز امسال، ما هم از نظر احساسی چابک‌تر، از نظر درک افراد تواناتر و در حل مسائل فردی و شغلی‌مان خلاق‌تر شویم.



پیشنهاد

رونمایی از دومین کتاب سال «پیش نگاه»

قالبی ساده و با هدف اطلاع‌رسانی به مخاطب عرضه کند. چاپ این مجموعه در آذرماه ۹۲ به پیشنهاد جمعی از گالری‌داران و حمایت آنان آغاز شده و این کتاب شامل نمایشگاه‌های تجسمی بیش از هزار و ۵۰۰ هنرمند در ۴۳۰ صفحه با همراهی ۳۰ هنرمند و اتفاقات هنری سال ۹۵ گالری‌های تهران است.

گالری ثالث در تهران، خیابان کریمخان زند، بین ایرانشهر و ماهشهر شماره ۱۴۸ واقع شده است.

آرشو تجسمی ۳۰ گالری در ماهنامه «پیش نگاه» به صاحب‌امتیازی مژگان قدوسی با حضور تاها بهبهانی و لیلی گلستان روز پنجشنبه، سوم اسفند، در کالری نشر ثالث از ساعت ۶ تا ۸ عصر رونمایی خواهد شد.

به گفته مژگان قدوسی، صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول ماهنامه پیش نگاه، با رشد و افزایش تعداد مراکز و مکان‌های عرضه آثار هنری نیاز به مجموعه‌ای وجود دارد که بتواند برنامه اتفاقات هنر تجسمی شهر را در



میرجلال‌الدین کزازی

جشن سپندارمذگان یکی از جشن‌های باستانی ایرانی است و مانند بسیاری دیگر از جشن‌های ایرانی، سرشت و ساختاری آیینی و باورشناختی دارد. این جشن بازخوانده به سپندارمذ، یا در ریخت اوستایی آن: سَپَنتا اَرَمَیتی، یکی از امشاسپندان یا فرشتگان فرمند و برین در آیین کهن ایران است. امشاسپندان، در بن، شش ویژگی بنیادین و نهادین اهورامزدایند که در شش فرشته‌ی مهین، نمادینه شده‌اند. این ششش با اهورامزدا هفت‌سپندانِ سپند (مقدس‌ترین مقدس‌ها) را، در سامانه‌ی آیینی و باورشناختی کهن، پدید می‌آورند. در نمادشناسی کهن ایرانی، پنج امشاسپند از این شش: بهمن و اردیبهشت و شهریور و خرداد و مرداد یا امرداد، نرینه‌اند و تنها سپندارمذ است که مادینه شمرده می‌شود. مادینگی این فرشته‌ی بزرگ، از دید نمادشناسی، ازآنجاست که این امشاسپند، در جهان آستومند (جسمانی) و پیکربنه، در کیتی، نگاهبان زمین است و زمین، به پاس کاربذیری و اثرستانی



گیتی منفرزاده



بانک مسکن

www.bank-maskan.ir
مركز مشاوره و اطلاع رسانی ۰۸۸-۶۱-۲۱

■ امکان انتقال وجه به تمامی بانک‌های عضو شبکه شتاب

در امن‌ترین بستر و با مجوز رسمی بانک مرکزی

■ امکان ثبت کـارت‌ها و حساب‌های پـرکار بـرد

■ امکان انتقال شارژ برچسب الکترونیکی عوارض